

## متن کتاب درسی، کارا یا ناکارآمد!



داشتم که می‌رفتم و در اینترنت جستجو می‌کردم تا متن کتاب اصلی که مطالب از آن ترجمه شده بود، می‌یافتم و مفهوم را کامل درک می‌کردم.» از دختری در دزفول که رتبه ۳۲ شده و زیست را ۱۰۰٪ پاسخ داده، می‌پرسند: «چطور چنین اتفاقی افتاد؟» به راحتی می‌گوید: «هر فصل کتاب درسی را چهارده تا پانزده بار مطالعه کردم و ۱۰۰٪ زدم!»

از دانش‌آموز دیگری می‌پرسند: «چطور عربی را کامل پاسخ دادی؟» باز می‌گوید: «کلمه و عبارتی در کتاب نیست که نخوانده باشم، مسلط باشم و تجزیه و ترکیب نکرده باشم.»

از دانش‌آموزی هم که در امتحانات خرداد ماه در درس ادبیات، نمره تک گرفته، می‌پرسیم: «چرا تک شدی؟ مگر سوالات در حد کتاب نبود؟» می‌گوید: «شب امتحان نتوانستم کتاب را تمام کنم!»

با تمام این مثال‌ها که واقعی هستند، می‌خواهم به این نتیجه برسم که اغلب دانش‌آموزان ما می‌گویند: «کتاب درسی را خواندم، اما نمره‌ام خوب نشد! مگر نگفتید کتاب درسی بخوانیم، همه مشکلات حل خواهد شد. پس چرا نمره من کم شد؟»

در اینجا لازم است یک بیت از مولانا را یادآوری کنم:

کار نیکان را قیاس از خود مگیر / گرچه باشد در نوشتن شیر، شیر منظور مولانا این است که بعضی وقت‌ها، ما کارمان را با دیگران مقایسه می‌کنیم و احساسمان این است که فعالیت و کار یکسان انجام داده‌ایم؛ اما چرا نتایج متفاوت گرفته‌ایم؟

بله درست است که شما کتاب درسی را خوانده‌اید؛ اما این خواندن کجا و خواندن دختران و پسرانی که مثال زدیم، کجا؟!

حتماً بین دانش‌آموزی که یک بار به زحمت شب امتحان کتاب درسی را خوانده و دانش‌آموزی که طی سال تحصیلی، بارها و بارها کتاب را خوانده و مرور کرده و تمرین داشته، حاشیه سفید کتابش پر از نکته و مطلب مهم است، تفاوت وجود دارد و خواهد داشت. اینکه می‌شنوید، داوطلب رتبه برتر می‌گوید، منبع مطالعه من فقط کتاب بوده یا کتاب را خیلی ارزشمند می‌داند، با این نوع نگاه است و نه یک مطالعه سطحی و در یک شب.

یادتان باشد، حتماً کتاب منبع مهمی خواهد بود. تمرینات و توضیحات و خودآزمایی‌های آن مهم و بسیار مؤثر است؛ به شرطی که بارها و بارها در طی سال، صفحه به صفحه و خط به خط، مطالعه و تحلیل و تکرار داشته باشید.

در بخشی از فیلم‌های مشاوره‌ای، فایل‌های صوتی یا حتی کلاس‌ها و همایش‌های مشاوره‌ای، دائم روی مطالعه متن کتاب‌های درسی تأکید شده است؛ به ویژه برای دانش‌آموزان نظام جدید که در حال حاضر، دهم یا یازدهم هستند. در نگاه اول، پیشنهاد خیلی مهم یا ایده بسیار جذابی نیست و شاید هر کس این موضوع را بشنود، احساس بکند. خب! حتماً همه دانش‌آموزان کتاب درسی را می‌خوانند. اصلاً مجبور هستند، برای امتحانات کتاب‌های درسی را ببینند و آن‌ها را مطالعه کنند؛ مگر غیر از این انتظار می‌رود؟ اما من به عنوان مشاور که اصولاً در شهرهای بزرگ بوده، نگاهم متفاوت است.

به عنوان کسی که تحول نوزده سال آموزش دبیرستانی‌ها را دیده، لمس و همراهی کرده است، موضوع را به این سادگی نمی‌بینم؛ به چند دلیل و چند برداشت متفاوت. می‌پرسید چطور؟

تجربه من می‌گوید، همیشه موضوعات بدیهی و ساده جزو گره‌های اصلی نظام آموزشی ما هستند. در یک مقاله‌ای هم چند سال پیش خواندم که ما و خیلی از کشورهای در حال توسعه، دانش‌آموز را درگیر مسائل سخت و غیرمهم می‌کنیم و اصولاً دانش‌آموز اصل موضوع، کاربرد مفهومی که می‌خواند، نحوه استنتاج و مراحل رشد علم و فناوری مورد مطالعه را نمی‌داند؛ اما تا دلت بخواد مسأله سخت و پیچیده دیده است؛ حالا یا حفظ کرده یا فهمیده. در هر دو حالت اطلاعات؛ ماندگار، جذاب و کاربردی نیست و مشکلات بعدی جامعه دانش‌آموزی را برای ما به همراه دارد.

خلاصه موضوع کتاب درسی از یک جهت چون یادگیری مفاهیم ساده، اولیه و کاربردی مرتبط است و از سوی دیگر با ایجاد علاقه در دانش‌آموز، بسیار مهم و حتی تعیین‌کننده است.

اما دلیل دیگری که می‌تواند مؤید ارزش و اهمیت متن کتاب‌های درسی باشد، تجربه داوطلبان قوی، توانمند و نمونه آزمون‌های سراسری است.

چند مثال بزنم تا به اصل موضوع واقف شویم!

از نفر اول کنکور تجربی می‌پرسند: «شما چه کار ویژه‌ای انجام دادی که این درس را ۱۰۰٪ پاسخ دادی؟»

دانش‌آموز جوابش این است: «من بارها و بارها کتاب درسی‌ام را دوره کردم و خواندم. مطالب زیادی در کتاب درسی هست که با یک بار مطالعه، نمی‌شود به آن مفهوم مسلط شد؛ پس من بارها می‌خواندم تا گره ذهنی‌ام باز شود. بعضی وقت‌ها هم ابهاماتی در درک مطالعه کتاب